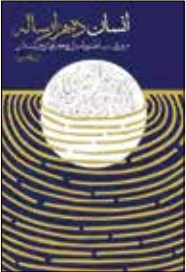


پیش‌خوان

«**مروری بر سلطنت پیامبران و جغرافیای حرکت آنان**» در آینه یک پژوهش نوانتشار

«انسان ده‌هزارساله» باز خوانی نگافته‌های تاریخ

■ **سمانه صادقی**



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همان گونه که در عنوان خویش آورده است، «مروری بر سلطنت جغرافیای حرکت آنان» را در دستور تحقیق خود قرار داده است. این پژوهش با استناد به داده‌های معقول و منقول دینی سعی دارد تا در باب رسالت و حکومت پیامبران نکاتی بدیع را عرضه کند. این بررسی از سوی حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا انجام شده و انتشارات واژه‌پرداز اندیشه، آن را روانه بازار کتاب ساخته است.
تارنمای طاقچه در باب مضمون و محتوای این تتبع به نکات پی آمده اشارت برده است: «کتاب انسان ده‌هزارساله، اثری تاریخی پیامون زندگی انبیای الهی است که هر کدام در سرزمین و روزگاری مبعوث شدند و برای تبلیغ فرامین الهی، مخلصانه جهاد کردند. این سلسله با اولین بشری که خداوند از خاک خلق نمود، یعنی حضرت آدم (ع) آغاز شد و با رسول ختمی مرتبت محمدبن عبدالله (ص) که کامل‌ترین دین را برای انسان به ارمان آورد، به پایان رسید. خداوند متعال بسیاری از معارف در خود را، با بیان سرگذشت انبیای الهی در قرآن ذکر کرده است و با شرح رسالت هر کدام و برخورد اقوام پیشین با این رسولان، مردم هر عصر را برای انتخاب مسیر حق و باطل و دام‌هایی که شیطان برایشان پهن کرده، آگاه نموده است. در این اثر پژوهشی حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا نویسنده کتاب، با قلمی ساده و با استناد به کتب روایی، سرگذشت برجسته‌ترین پیامبران الهی را شرح داده و مختصری از زندگی



شخصی، شیوه رسالت، زمان و مکان زندگی و چگونگی ارتحال‌شان را نیز به بسط و تبیین ننشسته است. همت نویسنده بر آن بوده است که از پرداختن به مباحث مبهم و مشکوکی که سند معتبری بر آن نبوده، بپرهیزد و مواردی از زندگی و سیره هر نبی نقل نماید که براساس مستندات صحیح در کتب منبع ذکر شده و قابل اتکا و اعتماد بوده است. مطالعه این کتاب برای کسانی که می‌خواهند با زندگی رسولان و درک بهتر سیر رسالت آنان آشنا شوند، مناسب است. همچنین این پژوهش براسای محققان حکومت دینی نیز نکات و آورده‌های جالب‌توجهی خواهد داشت...»

در بخشی از «انسان ده‌هزارساله»، در باب داستان جناب ادریس پیامبر چنین آمده است: «فرشته‌ای از فرشتگان که منزلی نزد خدا داشت، به سببی مورد غضب واقع شد و خداوند او را به زمین فرستاد. آن ملک به نزد ادریس آمد و تقاضای شفاعت کرد. پس به درخواست ادریس، خداوند آن ملک را بخشید و به آسمان بازگشت. او از باب قدرانی به ادریس گفت دوست دارم حاجتی از تو برآورده سازم، پس چیزی از من بخواه. ادریس گفت می‌خواهم ملک‌الموت را ببینم تا با او مانوس شوم، آن ملک وی را به آسمان بالا برد، تا سرانجام ملک‌الموت را بین آسمان چهارم و پنجم ملاقات کرد و به او گفت چه شده که تو را حیران می‌بینم؟ ملک‌الموت گفت من از این تعجب می‌کنم که در عرش بودم و خداوند من فرمان داد که باید روح ادریس را میامن آسمان چهارم و پنجم قبض کنم و من این مطلب را باور نداشتم تا اینکه تو را در اینجا ملاقات کردم. در این وقت ادریس از بال ملک پیاده شد و خود را تسلیم ملک‌الموت نمود و این همان قول خدای تعالی است که فرمود یاد کن در قرآن ادریس را که پیامبری راستگو بود و ما او را تا مکانی بلند بالا بردیم...»

■ **انوشه میرمرعشی**

حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا، نویسنده کتاب «انسان ده‌هزارساله، مروری بر سلطنت پیامبران و جغرافیای حرکت آنها»، در کتاب خود با رویکردی نو و از منظری کمتر بیان شده در تاریخ پژوهی، به نقش پیامبران در شکل‌گیری تاریخ بشر و تبیین جغرافیای حرکت آنان و تأثیر ایشان در به‌وجود آمدن مهم‌ترین تمدن‌های بشری پرداخته است. به همین منظور هسته تاریخ‌باتوان مرکز رشد دانشگاه امام‌صادق(ع) در نشست‌ی با ایشان، رویکرد بدیع و قابل تأمل ایشان در کتاب یادشده را مورد بررسی و کنکاش قرار داد. امید است که محتوای این نشست و مطالب بیان‌شده در آن برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به مباحث تاریخی مفید و مقبول باشد.

■ ■ ■

انوشه میرمرعشی: یکی از دغدغه‌های جدی تاریخ‌پژوهی دینی در دوره حاضر، اطلاع از نحوه بعثت انبیای الهی(ص) در ادوار مختلف تاریخ بشر، به‌ویژه در جغرافیای کشور ایران است. شما در مقدمه کتاب «انسان ده‌هزارساله» مرقوم داشته‌اید: «دقت در داده‌های منابع دینی و تاریخی با رویکرد حکمرانی انبیا بر ما معلوم می‌سازد که بیشتر پیامبران توحیدی چون ادریس، نوح، ابراهیم، موسی، داوود، سلیمان و یونس با تأسیس حکومت‌های مقتدر و گسترده، نقش بسزایی در ساماندهی و رشد و ترقی جوامع انسانی و شکل‌گیری مهم‌ترین تمدن‌های بشری داشته‌اند» و این دقیقاً موضوعی است که باعث شده این نشست شکل بگیرد و در خدمت شما باشیم؛ مناسب است که در آغاز، سخنی در این باره داشته باشیم.

حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا: خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت شما خواهران محترم هسته تاریخ‌باتوان مرکز رشد دانشگاه امام‌صادق(ع). از اینکه قبول زحمت کردید و برای مذاکره در امر مهمی چون تاریخ‌انبیاء(ع) به شهر مقدس قم تشریف آوردید، تشکر می‌کنم.

در تاریخ‌انبیاء(ع)، علاوه بر آموزه‌های اعتقادی و عبرت‌های اخلاقی زندگی آنان، لازم است جنبه‌های حکمرانی و تمدنی ایشان هم مورد بررسی قرار

حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا: «مسئله حکمرانی و سلطنت انبیای الهی در کنار نبوت‌شان، قضیه‌ای است که به‌طور عجیبی از سوی تاریخ‌نگاری استعماری و البته با پیش‌زمینه تاریخ‌نگاری تحریف‌آمیز یهود، حذف و کتمان شده است. اینها حتی نبوت پیامبرانی چون داوود و سلیمان (ع) را که به جهت شهرت، امکان انکار سلطنت آنان نبوده است، انکار کردند تا دیگر برای اجتماع نبوت و سلطنت مصداقی یافت نگردد!...»

گزارشی از نشست تخصصی «پیامبران تمدن‌ساز در ایران»

حکمرانی انبیای الهی

در تاریخ‌نگاری‌های استعماری کتمان شده‌است

گیرد تا بتوانیم یک نگاه دقیق و مطابق با واقع از حوادث زندگی آن بزرگان به دست آوریم. بدین منظور ضروری است تا نگاه پژوهشی عمیق‌تری نسبت به تاریخ‌انبیاء(ع) داشته باشیم؛ یک نگاه اجتهادی به معنای حوزوی آن، برای تشخیص قول صحیح و مطابق با واقع از غیر آن که در کتاب «انسان ده‌هزارساله»، بیشتر همین جنبه مورد توجه بوده است. متأسفانه بیشتر کتب تاریخی، خصوصاً منابع اهل سنت، تمرکز خود را بر ارائه‌اقوال متعدد و متغاوتی قرار داده‌اند که مطالعه آنها جز بر سرگردانی خوانندگان و پلاکتلفی پژوهشگران نمی‌افزاید! ان دسته از کتبی هم که اختصاصاً به تاریخ‌انبیاء(ع) و قصی قرآن پرداخته‌اند، غالباً گزارش‌های غیرمنسجم و پراکنده‌ای ارائه کرده‌اند که سیر طبیعی حوادث و تقدم و تأخر زمانی، در آنها لحاظ نشده است. علاوه بر آنچه گفته شد، خطاهای فراوان در متون دینی و تاریخی مربوط به جغرافیای حرکت پیامبران (ع) و در آثار تاریخی و باستانی به‌جا مانده از آنان و در نقشه‌های جغرافیای حرکت آنان (به جهت تحریف و گاه بی‌دقتی و نبود ابزارهای دقیق و علمی لازم، سبب قلب حقایق و گاه کتمان آنها شده است. آنچه گفته شد، ضرورت اجتهاد در حوزه تاریخ‌انبیاء(ع) را بر ما معلوم می‌نماید. البته باید برای این کار اصولی تدوین شود تا یک مجتهد بتواند در مسیر اجتهاد از آن بهره‌برد و قول حق را از بین دیگر اقوال استنباط نماید.

میرمرعشی: منابع ما در بیسان تاریخ انبیا چیست؟ آیا ما قرار است جعلیات و تاریخ‌نگاری کذب و تحریف‌شده تورات و منابع تابع تورات را مبنای کار قرار دهیم؟ روش‌شناسی ما برای شناخت و بیان تاریخ انبیا، قرار است چگونه باشد؟

سلحشورنیا: بدیهی است که قرآن کریم، باید منبع اصلی ما در شناخت صحیح تاریخ‌انبیاء(ع) قرار گیرد، نه منابع تحریف‌شده‌ای مانند تورات و این می‌تواند اولین اصل از اصول یادشده باشد. دومین منبع شناخت ما، روایاتی است که مورد تأیید قرآن قرار گیرند. در ادامه باید از سایر علوم حوزوی مانند: فلسفه، کلام، درایه و تاریخ‌نیز بهره‌برد. حتی داده‌های علوم تجربی مانند جغرافی، زمین‌شناسی، فزیاونردی، باستان‌شناسی، زیست‌شناسی، آی‌تی و مانند آن نیز در این امر می‌توانند دخالت داشته باشند. مثل یک مجتهد تاریخ‌انبیاء(ع)، مثل یک افسر تجسس است که گاه با پیدا کردن یک تار مو، حقیقت صحنه جرم

تاریخ

تاریخ ۸۸۵۲۳۰۶۰



حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا، نویسنده کتاب «انسان ده‌هزارساله، مروری بر سلطنت پیامبران و جغرافیای حرکت آنها»

محمد مهدی علی‌اچان

حجت‌الاسلام ایوب سلحشورنیا:

«حضرت نوح (ع)، تنها پادشاه ایرانی نیست که نام وی از طومار پادشاهان کشورمان حذف شده است، بلکه طبق پژوهش‌های انجام‌شده، حداقل ۱۳ پیامبر دیگر هم قبل و بعد آن حضرت بوده‌اند که نام آنان در سلسله پادشاهان ایران دیده نمی‌شود، در حالی که برای آن‌ها در همین سرزمین مبعوث شده و در آن سلطنت کرده‌اند مانند جناب سام، فرزند نوح و جناب آرفخشذ، فرزند سام...»

قرآن نبود؛ براساس این اصل نمی‌توانیم روایات ذم آن شخص را بپذیریم.

جان‌نثاری: یکی دیگر از دغدغه‌های ما بحث مبدأ تاریخ‌نگاری است. آیا باید مبدأ تاریخ‌نگاری را هبوط حضرت آدم (ع) و انبیا بعد از ایشان بدانیم، یا تاریخ‌نگاری باستانی که در آن انبیا(ع) و یکتاپرستان هیچ جایگاهی ندارند؟! وقتی متأسفانه در کتب درسی ما بیان می‌شود که اولین انسان‌ها، انسان‌های بی‌تمدن بوده‌اند، یعنی نظام آموزشی ما دارد ارتباط میان انسان با خدا و آموزه‌های دینی انبیای الهی (ع) از حضرت آدم تا پیامبر خاتم (ص) را انکار می‌کند! از آنجا که شما هم همین دغدغه را در کتاب «انسان ده‌هزارساله» داشته‌اید، بفرمایید که چه نگاهی به این موضوع دارید؟

سلحشورنیا: متأسفانه همینطور است که فرمودید. نگاه آموزش و پرورش ما و دانشگاه‌های ما به انسان و نحوه شکل‌گیری تمدن‌های بشری، یک نگاه برگرفته از دانش معیوب غربی است، والا وقتی ما نگاه‌مان به حضرت آدم (ع) به عنوان خلیفه‌الله، یک نگاه توحیدی باشد که متصل به منبع وحی است، او را یک انسان تمدن‌ساز می‌بینیم. جناب آدم (ع)، لغت و خط را می‌شناخت و از قلم برای نوشتن بهره می‌برد! او خانه‌گه را ساخت و مدتی در آن زندگی کرد. یکی از فرزندان او به نام هابیل، دامدار بود و دیگری کشاورز و این بدان معناست که آنان خانه و بذر و روش کاشت، داشت و برداشت آنها و روش استفاده از آنها مثل تهیه آرد و خمیر و پخت نان را می‌دانستند و نیز از حیوانات حلال گوشت و روش نگهداری و ازدیاد نسل آنها و روش استفاده از گوشت و پوست آنها و ابزارهای لازم برای این کار آگاه بوده‌اند. در روایات و احادیث ما، به این موضوع اشارات بسیاری شده است. از خطبه اول نهج‌البلاغه تا احادیثی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، به وضوح درباره حضرت آدم(ع) و فرزندانش و شکل‌گیری تمدن بشری از سوی ایشان و انبیای بعد از ایشان صحبت به میان آمده است. در مورد تمدن‌سازی‌های سایر انبیای الهی هم وضع به همین منوال است.

میرمرعشی: مثل اینکه منشأ اختراع ترازو و وزن کردن اشیای نیز از حضرت شعیب(ع) است.

سلحشورنیا: دقیقاً و متأسفانه ضعف جدی ما در مراکز آموزشی حوزوی و دانشگاهی این است که ما روی تاریخ‌انبیا (ع)، کار تمدنی نکرده‌ایم و هر چه از غرب آمده را چون وحی منزل پذیرفته‌ایم! در حالی که در لایه‌ای متون دینی و آثار تمدنی خودمان، خصوصاً در تاریخ‌انبیاء (ع) حقایق بسیاری وجود دارند که در صورت کاوش و ارائه، باعث سربلندی، بالندگی و افتخار بوده و زمینه‌ساز پیدایش اق‌های تمدنی جدیدی خواهند شد!

جان‌نثاری: یکی دیگر از نکات جالب توجه رویکرد شما به تاریخ انبیا(ع)، بحث حکمرانی و سلطنت پیامبران است. اگر اجازه بدهید وارد این بحث بشویم.

سلحشورنیا: طبق مستندات موجود، تمام پیامبران الهی(ع) به جز یکی، دو نفر از آنان (مانند حضرت عیسی مسیح (ع))، موفق به تأسیس حکومت شده‌اند و در قامت بزرگ‌ترین و مقتدرترین پادشاهان عصر خود، سلطنت کرده‌اند. به عنوان نمونه حضرت نوح(ع)، بر طبق احادیث و بعد از طوفان ۵۰۰ سال زنده بوده و نبوت ایشان تداوم داشته است! ما باید صحنه آن روز را به درستی تصور کنیم و بدانیم که پس از طوفان فراگیر در زمین، تقریباً تمام ساکنان آن از بین رفته و زمین تنها به ارث ۸۰ نفر از مؤمنان به نوح(ع) درآمده است. یعنی تنها ساکنان زمین در آن روزگار، ۸۰ نفر بوده‌اند؛ ۸۰ مؤمن انقلابی از امتحانات سخت چندصدساله موفق بیرون آمده بودند! خوب آیا این افراد، حاکمی، سرپرست و پادشاهی می‌خواهند یا نه؟ اگر آری، پادشاه آنان که بوده‌است؟ آیا آن ۸۰ مؤمن انقلابی خالص، به سروری کسی غیر از نوح(ع) تن داده‌اند؟ در این صورت می‌توان ادعا نمود که حکومت

نوح(ع)، پس از طوفان و به مدت ۵۰۰ سال در زمین برقرار بوده است! یک حکومت مطلق و بلامناعت! حتی اگر علاوه بر اطلاعاتی که در آیات

و روایات ما درباره کشتی حضرت نوح (ع) وجود دارد، به داده‌های موجود باستان‌شناسی درباره کشتی ایشان توجه کنیم، نبوغ حضرت در ساخت کشتی، الیا‌سازی در قسمت فلزات به کاررفته در بدنه کشتی و وجود کپسول‌های آب توازن در کشتی که ما در کتاب «انسان ده‌هزارساله» به آن پرداخته‌ایم را مورد توجه قرار دهیم؛ به راحتی می‌توان یکی از پایه‌های تمدن‌سازی، یعنی فنآوری و علم را در دستان حضرت نوح دید و دریافت.

جان‌نثاری: ایران در آن زمان چه شرایطی داشته است؟

سلحشورنیا: وقتی از ایران یصاد می‌کنیم، لازم است بدانیم که مقصود ما از ایران، یعنی سرزمین وسیعی که نطفه اولیه آن در بین‌النهرین شکل گرفته است و پایتخت بسیاری از پادشاهان ایرانی مانند کورش نیز بوده است. در کمال شگفتی باید گفت که پایتخت حکومت نوح (ع) نیز بین‌النهرین است و اولین تمدن‌های بشری پس از طوفان هم در همین ناحیه و در زمان حکومت ایشان به وجود آمده است. بنابراین باید نام این پیامبر اولوالعزم، در سلسله پادشاهان ایرانی درج می‌شدد، در حالی که چنین نیست! البته نوح(ع)، تنها پادشاه ایرانی نیست که نام وی از طومار پادشاهان ایران حذف شده است، بلکه طبق جدیدترین پژوهش‌های انجام‌شده، حداقل ۱۳ پیغمبر دیگر هم قبل و بعد آن حضرت بوده‌اند که نام آنها در سلسله پادشاهان ایران دیده نمی‌شود، در حالی که آنان در همین سرزمین به نبوت مبعوث شده و در آن سلطنت کرده‌اند! مانند جناب «سام» (ع) فرزند نوح و جناب آرفخشذ (ع) فرزند سام که مردم فارس او را بانام ایران می‌شناسند و مانند حضرت ابراهیم (ع)!

جان‌نثاری: اما حکومت حضرت ابراهیم (ع) در تاریخ‌نگاری‌های دوره باستان هیچ جایگاهی ندارد، البته شما در کتاب‌تان به سلطنت گسترده ایشان اشاره کرده‌اید.

سلحشورنیا: ماجرای حکومت حضرت ابراهیم (ع) در احادیث ما به‌وضوح بیان شده که من در صفحات ۱۷۲ و ۱۷۳ کتاب «انسان ده‌هزارساله» آن را توضیح داده و مستندات آن را بیان کرده‌ام. ماجرای لشکرکشی ایشان به یمن برای جنگ با عمالقه، در احادیث ما به‌وضوح بیان شده است (هم در جراح‌الانوار جلد ۱۲، صفحه ۸۲ و هم در من لا یضهره الفقیه شیخ صدوق، جلد اول، صفحه ۲۲۲). مسئله حکمرانی و سلطنت انبیای الهی در کنار نبوت‌شان، قضیه‌ای است که به‌طور عجیبی از سوی تاریخ‌انگاران استعماری و البته با پیش‌زمینه تاریخ‌نگاری تحریف‌آمیز یهود، حذف و کتمان شده است. اینها حتی نبوت پیامبرانی چون داوود و سلیمان (ع) را که به جهت شهرت، امکان انکار سلطنت آنها نبوده است، انکار کردند تا دیگر برای اجتماع نبوت و سلطنت مصداقی یافت نگردد!

میرمرعشی: آیا می‌توان در این زمینه از علم باستان‌شناسی کمک گرفت؟ مثلاً پیوسته تمدن‌های هم‌زمان دوران سلطنت حضرت ابراهیم(ع) در ایران، داده‌ای مبنی بر تأیید ارتباط مردم این کشور با حضرت ابراهیم و آموزه‌های توحیدی او دارند نه خیر؟

سلحشورنیا: بله می‌توان کمک گرفت. در حال حاضر در استان تهران، در نزدیکی شهر ریاط کریم، دهی است به نام ده پیغمبر. در این روستا پژوهش وجود دارد منسوب به حضرت لوط(ع) که از دیرباز محل رجوع و احترام مردم بوده است. آیا این مزار نمی‌تواند از طرف باستان‌شناسان مورد بررسی قرار گیرد؟ آیا تاریخ‌پژوهان نمی‌توانند با همکاری باستان‌شناسان در آن منطقه، به داده‌های جدیدی دست یابند؟ قطعاً می‌توانند. مانند آنچه درباره منشور کورش به دست آمد و از عقائد او پرده برداشت.

میرمرعشی: بله. در ترجمه دقیقی که مرحوم بروفسور عبدالمجید ارفع‌ی (پژوهشگر و متخصص زبان‌های باستانی اکدی و ایلامی و میخیی ایلامی) از استوانه کورش داشت؛ به‌وضوح مشخص شد که وی در منشورش، خدای خویش را بت «مردوخ» می‌نامد. این ترجمه دقیق که برای نخستین بار از زبان اصلی به زبان فارسی برگردانده شد؛ ادعای گروهی از پژوهشگران تاریخ را مبنی بر الحاد کورش و عدم اعتقادش به خدای یگانه به ثبات رساند.

جان‌نثاری: البته موضوع کورش و ارتباط آن با حضرت دانیال نبی (ع) و مباحث مربوط به استوانه کورش و محتوای آن که شما هم در کتاب انسان ده‌هزارساله به آن پرداخته‌اید، به بررسی مفصل در یک جلسه مستقل نیاز دارد و با مباحث جاری در حوزه تاریخ باستان نیز پیوند دارد.

سلحشورنیا: بله همینطور است.

میرمرعشی: تشکر می‌کنیم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. در این زمینه گفتنی‌های بسیاری وجود دارد و رویکرد شما به تاریخ‌انبیا(ع)، در یچه‌ای جدید را برای پژوهشگران ایجاد کرده است که امیدواریم راهگشای کشف حقایق در تاریخ باشد.

سلحشورنیا: من هم از توجه شما به این مباحث و ایجاد زمینه برای گفت‌وگو درباره این موضوعات، تشکر می‌کنم.

محمد مهدی علی‌اچان